



١٤٢٣-٢٠٢٠



جامعة أصفهان

كلية اللغات الأجنبية

فرع اللغة العربية

رسالة مقدمة لنيل درجة الماجستير في اللغة العربية وآدابها

## حياة محمد رضا الشبيبي وآراؤه السياسية والاجتماعية

الأستاذ المشرف:

الدكتور حميد أحمديان

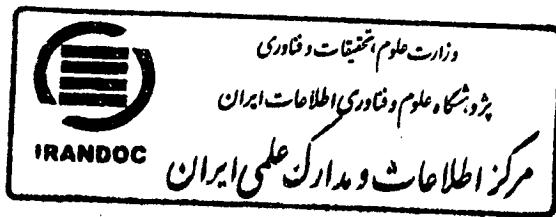
المشرف المساعد:

الدكتور محمد كاظم حاج إبراهيمي

إعداد الطالب:

محمد رضا مزرعه

شوال ١٤٣١ هـ



١٥٨٦١٥

١٦ / ٣ / ١٣٩٠

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتكارات و  
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوعات این پایان نامه  
متعلق به دانشگاه اصفهان است.

پیووه نگارش پایان نامه  
رعایت شده است.  
تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان



دانشگاه اصفهان

دانشکده زبانهای خارجی

گروه زبان عربی

## پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب آقای محمد رضا مزرعه تحت عنوان

### زندگی محمد رضا شبیبی و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی وی

در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۲۷ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهائی رسید.

- |       |                        |                             |                             |
|-------|------------------------|-----------------------------|-----------------------------|
| امضاء | با مرتبه علمی استادیار | دکتر حمید احمدیان           | ۱- استاد راهنمای پایان نامه |
| امضاء | با مرتبه علمی استادیار | دکتر محمد کاظم حاج ابراهیمی | ۲- استاد مشاور پایان نامه   |
| امضاء | با مرتبه علمی استادیار | دکتر جعفر دلشداد            | ۳- استاد داور داخل گروه     |
| امضاء | با مرتبه علمی استادیار | دکتر ماجد نجاریان           | ۴- استاد داور خارج از گروه  |

مدیر گروه

دکتر عبدالغفیر ابرونیزاده

## من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

أتقدم بجزيل الشكر والعرفان والتقدير لكل من حثني على هذه المحاولة، وأبدى لي ملاحظاته بشأنها وخاصة أستاذي العزيز الدكتور حاج إبراهيمي (المشرف المساعد)، لما قدم من النصح والإرشادات القيمة خلال إعداد هذه الرسالة.

وأما أستاذي الكريم الدكتور حميد أحمديان (الأستاذ المشرف)، فلا أجد من الكلمات ما يفيه حقه من الشكر والامتنان والعرفان الجميل؛ فقد انتفعت كثيراً بمحاضراته وتوجيهاته السديدة، واستفدت من نقداته القيمة، ونبهني إلى كثير من الزلل والمفوات. فلا أملك إلا أن أدعوا المولى سبحانه أن يجزيه خيراً الجزاء، وأن يجعل ذلك في موازين حسناته يوم لا ينفع مال ولا بنون إلا من أتى الله بقلب سليم.

كما أقدم الشكر الجزيل سلفاً لكل أساتذتي الكرام في قسم اللغة العربية بجامعة أصفهان، الذين بذلك قصارى جهودهم طيلة دراستي، وأخص بالذكر أستاذي الفاضل الدكتور جعفر دلشاد الذي شجعني على اختيار هذا الموضوع. وشكراً لكل من ساهم بالرأي والتوجيه حتى خرجت هذه الرسالة إلى النور. كماأشكر إخوتي الذين وقفوا إلى جانبني طيلة حياتي الدراسية ولم يخلوا بتقديم أية مساعدة لكي أكون موفقاً فيها.

## اهداء

أهدي هذا الجهد المتواضع والبضاعة المزجاة

إلى<sup>١</sup>

روح والدِي الَّتِي عَلَمْتُنِي العَطْفُ وَالْمَحَبَّةُ وَالْخَنَانُ

وَرُوحُ الدِّي الَّذِي تَعْلَمْتُ مِنْهُ الْكَثِيرُ مِنَ الْقِيمِ الْإِنْسَانِيَّةِ النَّبِيلَةِ

وَكَيْفَ أَعِيشُ مَرْفُوعَ الرَّأْسِ.

تَعْمَدُهُمَا اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ الْوَاسِعَةِ وَأَسْكِنْهُمَا فَسِيحَ جَنَّاتِهِ

## الملخص

ولد محمد رضا الشبيبي الشاعر والسياسي الكبير في النجف الأشرف عام ١٨٨٩ م - ١٣٠٦ هـ . ترعرع في بيت يتعصب للمذهب والدين ويحب الأدب ويميل إليه، هذا إضافةً إلى أن قدراته الذاتية ونبوغه الفطري قد ساعدها إلى أن يبلغ الذروة في الشعر في وقت مبكر من عمره فأصبح بعد مدة وجيزة رائداً من الرواد وقطباً من أقطاب الحركة الفكرية والنهضة الأدبية والثقافية والإصلاح الاجتماعي والديني والسياسي في العراق المعاصر.

يمكن أن تدرس حياة الشبيبي في جانين رئيسين: الجانب السياسي والجانب الأدبي.

في الجانب السياسي، شهد الشبيبي في الفترة التي عاشها، أو انحر الحكم العثماني على العراق، وبعده الاحتلال البريطاني ثم الحكم الملكي في فترة الانتداب والاستقلال وانتهت في عهد الجمهورية. عُين وزيراً للمعارف عدة مرات في مختلف الوزارات كما انتخب أيضاً عضواً في مجلس الأعيان ورئيساً له عدة مرات. كان ينظر إلى السياسة بأنها وسيلة لخدمة الشعب ولذا دائماً يقدم مصلحة الشعب على الألاعيب السياسية. ومن هذا المنطلق كلما أحسن محضم حق المواطنين لصالح السياسة، استعفى من منصبه السياسي، فلهذا كان يعرف بين وسط السياسيين بالسياسي ذي الترعة الشعبية.

وأيضاً في الجانب الأدبي، فهو يعد شاعراً من أبرز شعراء العراق الحديث وكاتباً ضليعاً ومؤرخاً بحاثة وناقداً أدبياً بعيد النظر حديد البصر دقيق الملاحظة. وكان عضواً متحملاً للغة في دمشق وبغداد والقاهرة. ترك عدة تأليف من أهمها ديوانه الشعري المعروف بـ «الديوان الشبيبي» والذي درس قسماً منه في هذه الرسالة.

الشعر السياسي أخذ قسطاً وافياً من الديوان وجاء معظمه في باب «الحماسة» منه. وقد تطرق إلى هذه الموضوعات أي الموضوعات السياسية، لا من زاوية السياسة البحثة، بل من حيث ارتباطها بحياة الشعب لأنّ هم الشبيبي الأول والأخير هو الشعب. فلهذا جاءت هذه الموضوعات وكأنّها موضوعات اجتماعية. تحدث فيها عن سياسة الدول العثمانية وطريقة تعاملهم مع الشعب وعن حروبهم وتحدث عن الحرب العالمية الأولى والحكام وولاة الأمر في الشرق، وغير ذلك من الموضوعات السياسية.

أكثـر شـعـر الشـبـيـي يـُـعـد شـعـراً اـصـلـاحـياً اـجـتمـاعـياً وـإـن كـان لـم يـُـعـتـون بـهـذـا العـنـوان، أـى الـاجـتمـاعـيـات، إـلـى بـاب وـاحـد مـن دـيـوـانـه، وـلـهـذـا لـم تـحـصـر أـشـعـارـه الـاجـتمـاعـيـة فـي هـذـا الـبـاب فـقـط — وـإـن كـان مـعـظـمـها جـاءـت فـيـه — بل مـعـثـرـة فـي كـل الـديـوـانـ. طـرـقـ الشـعـر الـاجـتمـاعـي مـن زـاوـيـة وـاحـدـة إـذ نـظـر إـلـى الـجـمـعـ كـوـحـدـة مـتـكـامـلـة، غـاصـ فيـ أـعـماـقـه وـكـشـفـ وـاقـعـه فـنـادـيـ الشـبـابـ وـالـأـمـةـ وـتـحدـثـ عنـ الـعـلـمـ، وـالـجـهـلـ، وـالـفـقـرـ وـالـتـحـلـفـ وـالـجـمـودـ، وـقـضـيـةـ الـمـرـأـةـ وـغـيرـ ذـلـكـ مـنـ الـمـوـضـوـعـاتـ الـاجـتمـاعـيـةـ.

تـهـدـفـ هـذـهـ الـدـرـاسـةـ إـلـىـ التـعـرـيفـ بـالـشـاعـرـ وـتـبـيـنـ وـتـوـضـيـعـ آـرـاءـ السـيـاسـيـةـ وـالـاجـتمـاعـيـةـ مـنـ خـالـلـ قـرـاءـةـ فـيـ دـيـوـانـهـ الشـعـريـ. وـالـمـنهـجـ المـتـبعـ فـيـهـ، هوـ الـمـنهـجـ التـوـصـيـفيـ — التـحـلـيلـيـ. وـقـدـ اـعـتـمـدـنـاـ فـيـهـ عـلـىـ الـكـتـبـ ذاتـ الـصـلـةـ بـالـمـوـضـوـعـ. وـمـنـ خـالـلـ هـذـهـ الـدـرـاسـةـ اـسـتـبـتـجـنـاـ بـعـضـ الـبـنـائـجـ أـهـمـهـاـ:

١ - كـانـ الشـبـيـيـ فـيـ بـدـايـةـ الـأـمـرـ مـعـ الـعـشـمـانـيـنـ وـدـفـعـتـهـ إـلـىـ ذـلـكـ الـزـرـعـةـ إـلـاسـلـامـيـةـ، وـعـنـدـمـاـ لـمـ يـسـنـجـ معـهمـ الـاصـلاحـ، قـلـبـ لـمـ ظـهـرـ الـجـنـ.

٢ - رـأـيـهـ فـيـ قـضـيـةـ الـمـرـأـةـ كـرأـيـ الـخـافـظـيـنـ مـنـ الطـبـقـةـ الـمـتـقـنـةـ، بـأـنـ تـبـقـيـ الـمـرـأـةـ فـيـ الـبـيـتـ وـتـحـصـرـ وـظـيـفـتـهـ فـيـ تـرـبـيـةـ الـأـوـلـادـ وـالـأـمـورـ الـزـوـجـيـةـ.

٣ - نـظـرـةـ الشـبـيـيـ إـلـىـ اـصـلاحـ قـضـاـيـاـ الـجـمـعـ، نـظـرـةـ مـثـالـيـةـ أـخـلـاقـيـةـ.

٤ - دـخـلـ الشـبـيـيـ عـالـمـ السـيـاسـيـ وـتـقـلـدـ الـمـاـنـاصـبـ الـوـزـارـيـةـ فـيـ مـخـتـلـفـ الـوـزـارـاتـ وـلـكـنـ مـعـ هـذـاـ لـمـ يـتـحـلـ عـنـ مـبـادـئـ الـاجـتمـاعـيـةـ الـتـىـ كـانـ يـؤـمـنـ بـهـاـ وـلـمـ يـتـرـاجـعـ عـنـ موـاـقـفـهـ الـاجـتمـاعـيـةـ.

الـكـلـمـاتـ الـاـسـاسـيـةـ: محمدـ رـضاـ الشـبـيـيـ، الـآـرـاءـ السـيـاسـيـةـ، الـآـرـاءـ الـاجـتمـاعـيـةـ، الـأـدـبـ الـعـرـبـيـ، الـمـعاـصرـ، الـعـرـاقـ الـمـعاـصرـ.

## چکیده

محمد رضا شبیبی شاعر و سیاستمدار بر جسته عراق در سال ۱۸۸۹ م - ۱۳۰۶ ه در نجف اشرف دیده به جهان گشود. وی در خانواده‌ای مذهبی و ادب دوست پرورش یافت. و به دلیل نبوغ و استعداد ذاتی دیری نپایید که به عنوان شاعر بر جسته شهرت یافت. و در مدت کوتاهی یکی از پیشگامان و ستون‌های اصلی جنبش فکری، فرهنگی، اجتماعی، دینی و سیاسی عراق معاصر شد.

زندگی وی را می‌توان در دو بعد کلی و اساسی مورد بررسی قرار داد: بعد سیاسی و بعد ادبی.

در بعد سیاسی، وی در طول حیات خود شاهد حکمرانی عثمانی‌ها بر عراق، اشغال عراق توسط انگلیسی‌ها، حکومت پادشاهی تحت الحمایه انگلیس، پادشاهی مستقل و در نهایت عصر جمهوری در کشور خود بود. او در چندین دوره بر مسند وزارت آموزش و پرورش عراق نشست و همچنین در چندین دوره به عنوان نماینده و رئیس مجلس اعیان عراق برگزیده شد. او همیشه به سیاست به عنوان ابزاری برای خدمت به مردم می‌نگریست و به همین خاطر پیوسته مصلحت مردم را بر بازیهای سیاسی مقدم می‌داشت. او چندین بار که احساس کرد سیاست بر مصلحت مردم چیره یافته است از پست‌های خود استغفا داده است به همین دلیل او را سیاستمداری مردم‌گرا معرفی می‌کنند.

اما در بُعد زندگی ادبی، وی شاعری بر جسته، نویسنده‌ای توانا، مؤرخی پژوهشگر و منتقد ادبی دور اندیش، تیزبین و نکته سنج به شمار می‌آید. همچنین وی در فرهنگستان لفت دمشق، بغداد و قاهره به عضویت درآمده بود. از وی آثار متعددی بر جای مانده که از مهمترین آن دیوان شعری اوست که به «دیوان الشبیبی» معروف است که ما در این پاپان نامه بخش‌هایی از آن را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

بخش عظیمی از دیوان شبیبی را اشعار سیاسی در بر می‌گیرد که بیشتر در بابی تحت عنوان باب حمامه آورده شده‌اند. وی در این بخش به اکثر موضوعات سیاسی پرداخته است، البته نه با دیدی صرفاً سیاسی، بلکه از آن جا که با مردم ارتباطی تنگاتنگ داشته و فکر خدمت به مردم تمام زندگی او را در بر گرفته بود، موضوعات سیاسی را در لباس اشعار اجتماعی عرضه کرده است. از جمله این موضوعات می‌توان به سیاست دولت عثمانی، جنگ‌ها و نحوه‌ی رفتار آنان با مردم، جنگ جهانی اول، دولتمردان شرق و غیره اشاره کرد.

بیشتر اشعار شبیبی اشعار اصلاح‌گرا و اجتماعی هستند هر چند که تنها یک باب از دیوان وی، به این نام مزین شده است. اما سراغ این گونه اشعار را می‌توان از جای جای دیوان وی گرفت.

نگاه او به جامعه به عنوان یک مجموعه متكامل بوده است لذا اشعار اجتماعی وی از همین دید سروده شده‌اند. در اعمق جامعه غوطه‌ور شد و حقیقت آن را دریافت و سپس جوانان و عموم مردم را مورد خطاب قرار داد و از علم، جهالت، فقر، عقب‌ماندگی و رکود، و مسائل مربوط به زن و غیره سخن راند.

هدف از این پژوهش، معرفی شاعر و تبیین و توضیح اندیشه سیاسی و اجتماعی وی از طریق بررسی دیوان اوست. روش در پیش گرفته در این پژوهش، روش توصیفی - تحلیلی است. و منابع استنادی ما کتابهایی است که به این موضوع پرداخته‌اند. در این پژوهش نتایجی به دست آمده که مهمترین آنها به شرح زیر است:

۱- شبیبی در آغاز امر به دلیل گرایش‌های اسلامی به حکومت عثمانی پیوست. اما پس از دلسربدی از اصلاح آنان از مواضع خود نسبت به عثمانیها روی گردان شد.

۲- نگاه شبیبی به مسئله زن، همانا نظر سنت‌گرایان طبقه تحصیلکرده‌ی جامعه است. از نظر وی زن می‌بایستی در خانه بماند و وظیفه او تنها تربیت فرزندان و همسرداری است.

۳- شبیبی به مسائل اجتماعی از زاویه آرمان گرایانه و اخلاقی می‌نگرد.

۴- شبیبی وارد دنیای سیاست شد و در چندین دولت در جایگاه وزیر قرار گرفت ولی با این حال از باورهای اجتماعی خویش که به آنها ایمان داشت، دست نکشید و از موضع گیریهای خود در مسائل اجتماعی عقب نشینی نکرد.

**کلید واژه‌ها:** محمدرضا شبیبی، اندیشه‌های سیاسی، اندیشه‌های اجتماعی، ادبیات معاصر عرب، عراق معاصر.

## الفهرس

العنوان	الصفحة
الرموز والاختصارات ..... د	د
المقدمة ..... ٥	٥
<b>الفصل الأول: حياة محمد رضا الشبيبي</b>	
التمهيد ..... ١	١
١-١ ولادة الشبيبي ونشأته وتعلمه ..... ٣	٣
٢-١ ملامحه وصفاته الشخصية ..... ٦	٦
٣-١ شعرة وشاعرية ..... ١٠	١٠
٤-١ ميزات شعره ..... ١٢	١٢
٥-١ تأليفاته ..... ١٦	١٦
٦-١ نشاطاته السياسية ..... ٢٠	٢٠
٧-١ الشبيبي والمؤسسات الثقافية ..... ٢٢	٢٢
<b>الفصل الثاني: أوضاع العراق السياسية والاجتماعية في عصر الشبيبي</b>	
التمهيد ..... ٢٥	٢٥
١-٢ العراق في العهد العثماني ..... ٢٦	٢٦
٢-٢ العراق في عهد الحكم البريطاني المباشر ..... ٣٣	٣٣
٣-٢ ثورة العشرين ..... ٣٤	٣٤
٤-٢ العراق في العهد الملكي وتحت الانتداب ..... ٣٦	٣٦
٥-٢ العراق في بداية العهد الجمهوري ..... ٤١	٤١
<b>الفصل الثالث: الآراء السياسية لمحمد رضا الشبيبي</b>	
التمهيد ..... ٤٢	٤٢
١-٣ الدولة العثمانية ..... ٤٤	٤٤
١-١-١ شكوى وعتاب من العثمانيين ..... ٤٤	٤٤
٢-٣ حروب العثمانيين ..... ٤٦	٤٦

العنوان	الصفحة
١-٢-٣ واقعة الشعيبة .....	٤٦
٢-٢-٣ واقعة المدائن وتل السور .....	٤٩
٣-٢-٣ حرب العثمانية الإيطالية .....	٥٠
٣-٣ إعلان الدستور .....	٥٢
٤-٣ تبؤ الشبيبي بسقوط العثمانيين .....	٥٣
١-٤-٣ زوال القيم الأخلاقية .....	٥٣
٢-٤-٣ الانخياض عن الطريق القويم .....	٥٤
٣-٤-٣ العدول عن العدالة .....	٥٥
٥-٣ الوداع آل عثمان .....	٥٥
٦-٣ السياسة .....	٥٦
٧-٣ الحكام وولاة الأمر .....	٥٧
٨-٣ التحالف .....	٥٩
٩-٣ الوحدة والفرقة .....	٦١
١٠-٣ الحصارة الغربية الحديثة .....	٦٣
١١-٣ الحرب العالمية الأولى .....	٦٦
١٢-٣ البكاء على الوطن .....	٧٠
١٣-٣ القومية .....	٧٤
١٤-٣ ثورة الدروز .....	٧٦
١٥-٣ الاعتزاز بالآباء والأجداد .....	٧٧
١٦-٣ التأسف على الشرق .....	٧٩
الفصل الرابع: الآراء الاجتماعية لمحمد رضا الشبيبي	
تمهيد .....	٨٢
١-٤ العلم .....	٨٦
٢-٤ الدين .....	٨٧
٣-٤ الشعر والشعراء .....	٨٩

العنوان		الصفحة
٤-٤ الجهل	.....	٩٢
٥-٤ التزيف الاجتماعي والنفاق	.....	٩٥
٦-٤ التقليد	.....	٩٧
٧-٤ الفقر	.....	٩٨
٨-٤ الفقر الزراعي	.....	١٠٠
٩-٤ التخلف والجمود	.....	١٠٢
١٠-٤ المال	.....	١٠٤
١١-٤ المرأة	.....	١٠٦
١٢-٤ الشباب	.....	١٠٩
١٢-٤-١ الشباب والعلم	.....	١١٠
١٢-٤-٢ الشباب والوحدة	.....	١١١
١٢-٤-٣ الشباب والإبداع	.....	١١٢
١٢-٤-٤ الشباب والمناصب السياسية	.....	١١٢
١٢-٤-٥ الشباب والأخلاق	.....	١١٣
الخاتمة وأهم النتائج	.....	١١٧
فهرس المصادر والمراجع	.....	١١٩

**الرموز والاختصارات:**

ط = الطبعة.

مج = المجلد.

د.م = دون محل للنشر.

د.ن = دون ناشر.

ذ.ت = دون تاريخ للنشر.

هـ = السنة المجرية القمرية.

هـ ش = السنة المجرية الشمسية.

م = السنة الميلادية.

إنَّ محمد رضا الشبيبي كان وجهاً من أبرز وجوه الفكر الوطني العراقي الأصيل، اتَّسَم بقدرٍ كبيرٍ من الوضوح والثبات والجرأة. وبصفات أخرى مكنته من تقدُّمِهِ أفضلاً ما لديه حسب اجتهاده، للشعب والوطن طيلة حياته. بُرِزَ الشبيبي قبل الحرب العالمية الأولى أديباً أولاً، ومفكراً ثانياً وسياسياً في الأخير، وبقي التوازن بين هذه الجوانب الثلاثة في شخصيته قائماً طيلة سنوات الحرب، لينقلب الميزان كلياً لصالح الفكر والسياسة في شخصيته في سنوات الانتداب وما بعدها.

تسلى الشبيبي سلَّمَ المجد والشهرة بسرعة وكان الفضل في ذلك، كما ذكر في بعض المصادر، يعود، من دون شك، إلى انتماسه وامكاناته الذاتية وإلى نشاطه الدؤوب وإيمانه الراسخ بعدلة قضية شعبه، فغدا في مرحلة مبكرة من عمره واحداً من أبرز أعلام المجتمع النجفي أولاً ومن ثم العراقي بعد ذلك، وأخيراً غداً من أبرز أعلام السياسة والفكر والأدب على صعيد الوطن العربي. إنه شغل مكانة بجدارة حيثما حلَّ نائباً أو وزيراً، مؤيداً أو معارضًا، وحيثما خاض في ميدان العلم والفنون والفكري والإبداع الأدبي، فأنجح يراعه وفكره كل ما فيه خير الوطن والشعب، بأسلوب هادئ رصين ومتعدد، وبسان عفيف بعيد عن التجريح، لم يكن مع التطرف في شيء، كما لم يكن مع التقوّع والانغلال في شيء (شناوة، محمد رضا الشبيبي ودوره السياسي والفكري ٣٨٢ - ٣٨٤).

كان للشبيبي أثرٌ كبيرٌ على الأدب العربي الحديث؛ لأنَّه يُعدُّ في طليعة الناهضين باتجاهاته المختلفة وأغراضه وأساليبه المتباعدة، عمل على إحيائه وتجديده ونضجه وتحسينه في فنون حيَّة خدمت العراق والأمة العربية بأسرها، وكان له الأثر الكبير في عالم السياسة؛ فهو ركن رصين من أركانها، ثبت الأسس الأصيلة لبناء دولة عراقية مستقلة وعمل على وحدة عربية مؤمنة بالدين القوم وسار في ركب الساسة الأحرار الذين أرادوا للأمة العربية والإسلامية مستقبلاً زاهراً. عمل بكل جهده للإصلاح فوجه كلماته بسماً شافياً وعلجاً ناجعاً للمجتمع ولما يفتاك به من فقر وجهل ومرض.

ترك الشبيبي من بعده تراثاً مرموقاً يجمع بين الفكر والسياسة والعلم، ما يزال يحتاج إلى الدرس والتلميذ لما ينطوي على تجارب وعبر ودروس مفيدة و هو مختلف من هذه الزاوية عن معظم الشخصيات الذين درسوا في جامعتنا.

ومن أهم تأليفه العديدة، مجموعته الشعرية التي طبعت في ديوان عام ١٩٤٠م. وقد ألفت هذه المجموعة الشعرية — كما ذكر نفسه في مقدمة ديوانه — «خلال مدة لا تقل عن الثلاثين سنة كان الشطر الأول منها حافلاً بالحوادث الجسيمة، اتجه الناس فيه اتجاهًا جديداً لم يسبق له مثيل، ومالوا إلى الاهتمام بظاهر التقدم والرقي على اختلافها. وذلك بمجرد إعلان الدستور في البلاد العثمانية سنة ١٣٢٦ هـ المصادفة لسنة ١٩٠٨م وقد امتاز العصر المذكور بكونه عصر اليقظة في الفكر والشعور، تفنّن الخيال العربي في التعبير عن هواجس النفوس الطامحة إلى مجاهدة الأمم الناهضة الراغبة في التخلص من عوامل الضعف والانحلال، وحاول الأدب أن يمثل الحياة، وذلك في مختلف صورها الضاحكة والباكية، وشّتى مظاهرها المشرقة أو الداجنة» (الشبيبي، مقدمة الديوان).

هذا هو محمد رضا الشبيبي عدة رجال في رجل واحد! والناظر إلى مشاركاته المتعددة يرى أنه جدير بالكثير من الدراسات والعناية، ولكن الرجل لم يبن هذا الصيّب وإنما كتب عنه أقل من القليل الذي يستحقه. وأمام جامعات إيران فلم يدرس، على ما أظن، فيها الشبيبي على الإطلاق. تلك الأسباب مجتمعة هي التي حفزتني إلى دراسة حياة الشبيبي وآرائه السياسية والاجتماعية.

وأول من شجعني لاختيار هذا الموضوع، كموضوع لرسالي في الماجستير، هو أستاذي الفاضل الدكتور "جعفر دلشناد" ليواصل بعده هذا التشجيع والترغيب والعناية أستاذي الفاضل العزيز على قلبي الدكتور "حميد أحمديان" الذي تقبل الإشراف على هذه الرسالة وقد أسعفني بإرشاداته القيمة ولم يتوان في تقديم أية معونة لأجل إتمام هذه الرسالة، ومع هذا فقد واجهت بعض الصعوبات في هذا الطريق وعلى رأسها عدم توفر المصادر الكافية في هذا المجال بحيث أجبرت أن أسافر إلى مدينة قم المقدسة عدة مرات بحثاً ما أحصل عليه من المصادر.

أما أهداف البحث فتلخص فيما يلي:

- ١ - التعريف بالشاعر وحياته وشخصيته السياسية والأدبية والاجتماعية.
- ٢ - عرض آراء الشاعر السياسية والاجتماعية من خلال ديوانه الشعري.
- ٣ - كشف وتبيين العوامل المؤثرة في الشاعر وآرائه السياسية والاجتماعية ومدى هذا التأثير.

٤ - تيسير الأمر على الباحثين في مجال التاريخ والسياسة والاجتماع لعرفة تطور هذه الأمور في الحقبة الزمنية التي عاشها الشاعر.

وانطلاقاً من هذا، فالبحث يهمّ فتيان:

الفئة الأولى: الأدباء والأساتذة والطلاب والراغبون في الأدب عامّةً والأدب العراقي الحديث خاصةً.

الفئة الثانية: الباحثون والدارسون في علم الاجتماع والسياسة والتاريخ والراغبون في العلوم الإنسانية.

بناءً على هذا تجاهول بهذه الرسالة الإجابة عن أبسطلة، من أبرزها:

١ - كيف كانت مواقف الشبيبي إزاء السياسة العثمانية؟

٢ - ما هو موقف الشبيبي تجاه الحرب العالمية الأولى؟

٣ - كيف كان موقفه من الحكومة في عصر الانتداب؟

٤ - هل أثرت الحياة السياسية على مواقفه الاجتماعية؟

٥ - كيف عالج الشبيبي قضية المرأة؟

٦ - كيف عالج الشبيبي قضايا المجتمع كالفقر والأمية والتخلف والجمود وغير ذلك من القضايا الاجتماعية؟

تضم هذه الرسالة في طياتها أربعة فصول:

الفصل الأول: حول حياة محمد رضا الشبيبي، وجاء الحديث فيه عن ولادة الشبيبي ونشأته وتعلمه، وملامحه وصفاته الشخصية، وشعره وشاعريته، وتأليفه، وأعماله السياسية، والشبيبي والمؤسسات الثقافية.

أما الفصل الثاني، فحول أوضاع العراق السياسية والاجتماعية في العصر الذي عاش فيه الشبيبي، وتحدثنا فيه عن العراق في العهد العثماني وفي عهد الحكم البريطاني المباشر، وفي العهد الملكي وتحت وطأة الانتداب، وفي بداية العهد الجمهوري.

وأما الفصل الثالث، فحول الآراء السياسية لمحمد رضا الشبيبي، وجاء الكلام فيه عن آراء الشبيبي حول موضوعات سياسية مختلفة كالدولة العثمانية وسياساتها، وال الحرب العالمية الأولى، والوحدة والفرقة، وإلى غير ذلك.

وأما الفصل الرابع والأخير، فيشتمل على الآراء الاجتماعية لمحمد رضا الشبيبي، وجاء الحديث فيه عن آراء الشبيبي حول مختلف الموضوعات الاجتماعية كالدين والفقر والمرأة والشباب وإلى غير ذلك. وفي الختام، أؤكد بأني لا أدعى قد وفيت الموضوع حقه والله أعلم أن أكون قد وفقت في دراستي هذه، فما كان فيها من مواطن إجادة فمن الله عز وجل، وما كان فيها من مواطن تقصير وضعف فمن نفسي، وعزائي في ذلك بما جاء من حكمة بالغة على لسان العماد الأصفهاني في قوله: «إِنِّي رَأَيْتُ أَنِّي لَا يَكْتُبُ إِنْسَانٌ كَتَابًا فِي يَوْمِهِ إِلَّا قَالَ فِي غَدِهِ لَوْلَا كَانَ أَحْسَنَ، وَلَوْلَا زَيَّدَ كَذَا لَكَانَ يَسْتَحْسِنَ، وَلَوْلَا قُدِّمَ هَذَا لَكَانَ أَفْضَلَ، وَلَوْلَا تُرُكَ هَذَا لَكَانَ أَجْمَلَ، وَهَذَا مِنْ أَعْظَمِ الْعِبَرِ، وَهُوَ الدَّلِيلُ عَلَى اسْتِيَلاءِ النَّقْصِ عَلَى جَمْلَةِ الْبَشَرِ».

والله ولي التوفيق

## الفصل الأول

### حياة محمد رضا الشبيبي

تمهيد

في بيت صغير كأي بيت من بيوت النجف آنذاك، وفي حي «البراق» أحد الأحياء الأربع لمدينة النجف الأشرف كان يسكن الشيخ محمد جواد الشبيبي والد الشيخ محمد رضا الشبيبي.

والشيخ محمد جواد الشبيبي عربي عريق، يعود به النسب إلى فخذ «المواجد» من قبيلة «بني أسد» القبيلة العربية المعروفة التي تسكن في العراق في منطقة الجبايش الواقعة في محافظة ذي قار.

ولقب «الشبيبي» هو نسبة إلى «شبيب» جد الشيخ محمد جواد، إذ إن سلسلة النسب تمضي بعد الشيخ محمد جواد لتصل بـمحمد بن شبيب بن إبراهيم بن صقر الجزائري.

وشبيب أو الشيخ شبيب، سكن الجبايش ودرس في الكاظمية، وخلف ولدين، هما: محمد وموسى.

وقد توفي الأخير ولم يخلف، وخلف الشبيبي يعود إلى محمد، أو الشيخ محمد، والد الشيخ محمد جواد، والد شاعرنا محمد رضا الشبيبي.

وقد كان لهم في الجبايش شأن وسمعة وفيهم الزعامة. ولم ينفع إقطاعات تنسب إليهم، هي من مختصاتهم، استولت على الكثير منها العشائر المحيطة بهم، ولم يبقية هناك حتى اليوم.

وقد هاجر الشيخ محمد بن الشيخ شبيب إلى النجف الأشرف في أواسط القرن الثالث عشر الهجري لطلب العلوم الدينية هناك. وعندما توفي، وكان آنذاك في بغداد، بعد ولادة إبنته محمد جواد بأيام قلائل، هاجرت زوجه بإبنهما إلى النجف، بعد أشهر، ثم إلى الشطرة، حيث يقيم والدها الشيخ صادق أطيمش العالم الفقيه والرئيس الجليل المطاع بتلك الديار. فنشأ محمد جواد، والد شاعرنا، في كنف جده لأمه، الذي علّمه القراءة والكتابة ومبادئ الأدب وتذوق الشعر، ورعاه ثم أجازه عندما رأى منه ميلاً إلى الأدب والشعر خاصةً، وبقي يرعاه حتى توفي. ففارق محمد جواد المتنبك أهي محافظه ذي قار إلى بغداد، متربداً بينها وبين الكاظمية، ثم انتهى به المقر في النجف الأشرف، ليدرس الفقه والأصول على جماعة من علماء عصره، وسكن حي «البراق» حيث تسكن طائفة أقربائه، وتزوج فيها، وكان يستعين على عيشه بما يعطيه حاله من عائد بعض أراضيه الزراعية، وبما كان يصوغه من الحاج الشرعية، وبما يوافق على أحده من مال أعلام عصره كـ "الملا محمد كاظم الخراساني"، المرجع الديني الأعلى للشيعة آنذاك، والشيخ خزعل حان، أمير الحمرة، الذي كان الشيخ محمد جواد يتربد عليه، وكان هذا الأمير يجله كثيراً.

وقد مضى الشيخ محمد جواد في طلب العلم وقرض الشعر، فارتفع اسمه حتى صار من الشهرة بحيث لا يذكر اسم الأدب آنذاك، بجميع فنونه، إلا وكانت له من المناسبة ما يجعل الإتصال وثيقاً باسم الشبيبي الكبير. وكان له مجلس ندوة جامعة يلتقي فيها أدباء النجف ورجاله فيتبارحون الشعر، ويتداولون الشؤون المختلفة، كواحد من أشهر المجالس الأدبية التي كانت تحفل بها النجف وبعض مدن العراقية. إذ كان، وما يزال الكثير من علماء النجف وأدبائه المشهورين يجلسون للناس في بيوت خاصة أو في أحجحة منعزلة من بيوكهم أو في غرف مستقلة منها يتداولون مختلف الشؤون، من إجتماعية وسياسية، إلى أدبية وعلمية. فتعقد المناظرات وتلتقي القصائد. وكان أولادهم بحكم احترامهم لآبائهم وبحكم تربية تحاول أن تشق الطريق للصغرى إلى الحياة الاجتماعية ليتحلى بما يتحلى به الرجال، يحضرون تلك المجالس، ويصغون إلى ما يدور فيها. فتفتح عقولهم على ما يدور في تلك المجالس التي هي أشبه